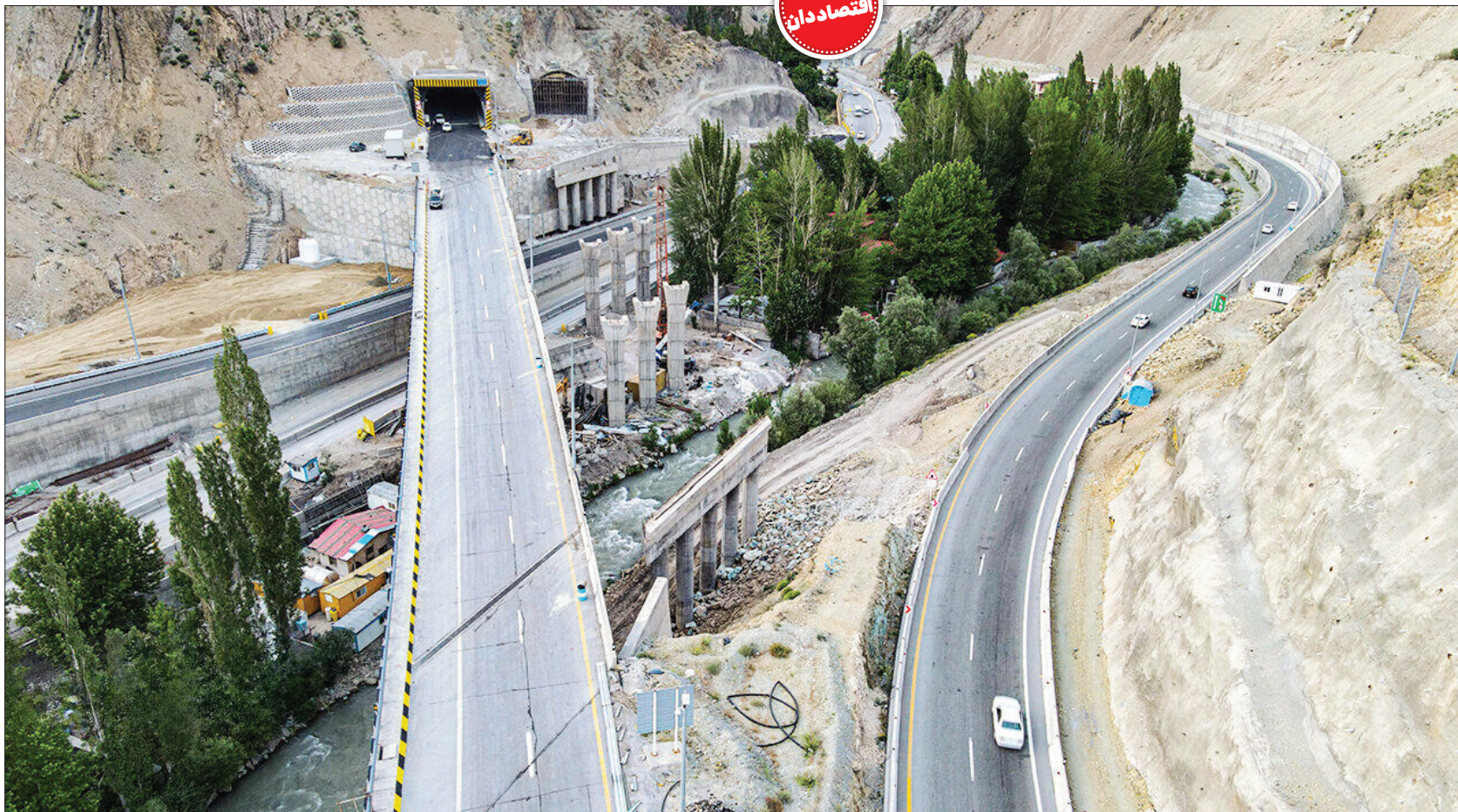


گزینه وزارت اقتصاد
از شیکاگو تا شریف

فرصت ۹۰ روزه دولت برای معرفی وزیر اقتصاد جدید به پایان رسید، در نهایت روز گذشته مجلس شورای اسلامی از معرفی سیدعلی مدنی‌زاده به‌عنوان وزیر پیشنهادی امور اقتصادی و دارایی از سوی دولت به مجلس خبر داد، یعنی دولت در آخرین ساعات به پایان رسیدن فرصت، اقدام به معرفی وزیر اقتصاد کرده است. عبدالناصر همتی، وزیر اسبق اقتصاد روز ۱۲ اسفندماه با ۱۸۲ رای موافق از سوی مجلس استیضاح شد و براساس قانون، دولت چهاردهم سه ماه برای معرفی وزیر اقتصاد فرصت داشت. کمتر از یک ماه پیش، یعنی در روز ۲۰ اردیبهشت‌ماه نیز خبری مبنی بر معرفی علی مدنی‌زاده به‌عنوان وزیر پیشنهادی اقتصاد به مجلس شورای اسلامی منتشر شد. اما خبری از انتخاب وزیر اقتصاد نبود. حتی روز چهارشنبه گذشته ۷ خردادماه فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت چهاردهم در حاشیه حیاط دولت در پاسخ به خبرنگارانی که درباره زمان معرفی وزیر جدید اقتصاد پرس و جو می کردند، گفته بود که دولت هنوز برای معرفی وزیر مهلت دارد و از این مهلت قانونی استفاده می کنند. او تأکید کرده بود استفاده از گزینه مهلت قانونی نقطه ضعف دولت به حساب نمی آید. او در ادامه تأکید کرده بود دولت تعجیلی برای این موضوع ندارد آقای دکتر اکرمی به عنوان سرپرست به خوبی امور را راهبری می کنند. اما در نهایت دولت با تکیه به قانون ملزم شد که در آخرین فرصت خود وزیر پیشنهادی اقتصاد را معرفی کند. عباس گودرزی، سخنگوی هیئت‌رئیس مجلس گفت: روز یکشنبه دولت گزینه پیشنهادی خود برای تصدی وزارت امور اقتصادی و دارایی را به‌طور رسمی به مجلس معرفی کرد. طبق آیین‌نامه داخلی مجلس، نامه معرفی وزیر اقتصاد در اولین جلسه آتی یعنی یکشنبه هفته آینده اعلام وصول خواهد شد و کمیسیون تخصصی یک هفته فرصت دارد تا گزارش خود را جهت قرائت در صحن ارائه و در همان جلسه رسیدگی به صلاحیت و رای اعتماد به وزیر مربوطه برگزار خواهد شد. گودرزی افزود: چنانچه کمیسیون تخصصی زودتر از موعد گزارش خود را ارائه نماید طبیعتاً جلسه بررسی صلاحیت و رای اعتماد زودتر برگزار خواهد شد. بر اساس قانون اساسی و با توجه به پایان فرصت سه‌ماهه دوره سرپرستی، از فردا ۱۲ خردادماه اعضای سرپرست وزارت اقتصاد فاقد اعتبار حقوقی خواهد بود، مگر آنکه با آن مقام معظم رهبری باشد. گودرزی تأکید کرد: مجلس در چارچوب وظایف قانونی خود، با دقت و بر اساس تعهد، شایستگی، صلاحیت‌های حرفه‌ای و تخصصی نسبت به بررسی گزینه پیشنهادی دولت اقدام خواهد نمود. سیدعلی مدنی‌زاده، گزینه پیشنهادی دولت برای تصدی وزارت اقتصاد، دانشیار اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف و اقتصاددان است. وی در حال حاضر ریاست دانشکده مدیریت اقتصاد این دانشگاه را برعهده دارد. مدنی‌زاده، متولد ۱۳۶۱ است و دکترای اقتصاد دانشگاه شیکاگو آمریکا را دارد. در سال ۲۰۰۰ مدال برنز المپیاد جهانی ریاضی و در سال ۱۳۹۷ جایزه پژوهشگر جوان اقتصاد ایران را به دست آورده است. او از جمله چهره‌های آکادمیک محسوب می‌شود که سابقه عضویت در هیئت عامل سازمان فناوری اطلاعات ایران، کمیته نقدینگی بانک مرکزی و کمیسیون شورای پول و اعتبار را در کارنامه دارد. او از بهار ۱۳۹۴ تا بهار ۱۳۹۶ معاون آموزش و تحصیلات تکمیلی، دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف، از سال ۱۳۹۲ تا سال ۱۴۰۱ استادیار اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف، از بهار ۱۴۰۰ تا پاییز ۱۴۰۰ معاون پژوهش و امور بین الملل، دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف، از سال ۱۴۰۰ رئیس دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه صنعتی شریف بوده است. همچنین مدنی‌زاده، مشاور اقتصادی سازمان برنامه و بودجه کشور، مشاور اقتصادی طرح سند تحول دولت، مدیر طرح کلان اصلاح قانون بانک مرکزی، مدیر طرح کلان اصلاح ساختاری بودجه، مدیر طرح اقتصاد کلان خروج غیرتورمی از رکود و رئیس گروه مدل‌سازی پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی را برعهده داشته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که وی سوابق اجرایی پررنگی در کارنامه خود ندارد و به جای آن شاهد درخشش توانایی علمی و تخصصی در رزومه‌وی هستیم. ممکن است همین موضوع یعنی نداشتن سوابق اجرایی و عملیاتی مانعی برای دریافت رای اعتماد وی از مجلس باشد.



توکس: ایران

نگاه
اقتصاددان

گفت‌وگو با بهمن آرمان درباره جنگ تعرفه‌ای و نسبت آن با اقتصاد ایران

چین در اقتصاد به ما کمک نکرد



علی ایوبی

گزارشگر هم‌میهن

جنگ تعرفه‌ها؛ دونالد ترامپ سال گذشته دومین دوره ریاست جمهوری خود را با آن شروع کرد و با افزایش تعرفه‌های وارداتی سنکین ۲۵ درصدی بر روی تمام کالاهای کشور چین و تعرفه ۲۵ درصدی بر روی تمام کالاهای کانادایی و مکزیکی به جز ۱۰ درصد بر انرژی کانادا و اقتصاد جهان به بهانه حمایت از صنعت، آمریکا را به چالش کشید؛ هرچند کمی بعد از مواضع خود تا حدودی کوتاه آمد اما باعث شد تا بسیاری از کشورها از جمله اتحادیه اروپا را وادار به مذاکره کند. این موضوع و اینکه جنگ تعرفه‌ای آمریکا بر اقتصاد ایران چه تأثیری دارد را با بهمن آرمان، اقتصاددان در میان گذاشتیم. او استاد دانشگاه تهران است و پیشتر معاون سازمان بورس و اوراق بهادار بوده و در این گفت‌وگو همچنین به مسائلی مانند رابطه تجاری ایران با کشورهای همسایه مانند عمان و عقب افتادن ما از برخی پروژه‌های منطقه‌ای پرداخت. آرمان معتقد است چین در سال‌های اخیر از لحاظ اقتصادی به ایران کمک چندانی نکرده و در حوزه نفت و گاز قابل رقابت با کشورهای اروپایی و آمریکا نیست و با اینکه چینی‌ها در ساخت زیربنای مثل خطوط ریلی، آزادراه‌ها و کارهای ساختمانی پیشرفت‌های شگفتی داشتند، ولی کار بزرگی در ایران انجام ندادند و حتی با توجه به ارتباط سیاسی که بین چینی‌ها و ایرانی‌ها وجود دارد ایران را از پروژه جاده ابریشم حذف کردند.

تفاوت رابطه آمریکا و چین در دوره ترامپ و بایدن در چیست؟

دونالد ترامپ در کمپین تبلیغاتی خود عنوان «اول آمریکا» را مطرح کرد، چینی‌ها طی این سال‌ها و پس از سفر نیکسون و بر سرکار آمدن دنگ شیائوپینگ که چین نوین را به وجود آورد، عملاً می‌توان گفت آمریکا‌یی‌ها کنترل زیادی بر انتقال تکنولوژی‌های پیشرفته به چین اعمال نمی‌کردند و همین باعث شده بود که خطوط تولید بسیاری از کالاهای از آنجایی که هزینه و دستمزد خیلی پایین‌تر است خطوط تولید خودشان را به آنجا منتقل کردند. البته آمریکایی‌ها این کار را بدون کنترل انجام نمی‌دادند، یعنی ساخت قسمت‌های حساس تجهیزات را در داخل خاک آمریکا انجام می‌دادند، ولی به هر حال این باعث شده بود که آقای ترامپ برای حفظ سطح اشتغال در آمریکا

و جلوگیری از بیکاری گسترده، دست به اقداماتی بزند که بخشی از این اقدامات شامل همین تعرفه‌ها است که در ابتدا رقم‌های نجومی را تعیین کرده بودند و بعد تا حدودی آن را تعدیل کردند، ولی به هر حال شیوه برخورد جمهوری خواهان

با چین که آن را یک خطر بالقوه برای خودشان می‌دانند با دموکرات‌ها متفاوت خواهد بود و حتی از نقطه نظر نظامی نیز طرفین به تمهیداتی می‌اندیشند تا به طریقی غرب یا اصولاً آمریکا بتواند چین را همچنان تحت کنترل خود داشته باشد. ولی به هر حال تعرفه‌ها ابزاری هستند که دولت‌ها همیشه برای حمایت از سیاست‌های داخلی خودشان اعمال کردند و سوبسیدهایی را به بخش تولید می‌دهند؛ مانند سوبسیدهایی که اروپایی‌ها برای تولید شکر از چغندر قند پرداخت می‌کنند، رقم بسیار بالایی است و همواره مورد اعتراض دیگر تولیدکنندگان شکر بوده؛ بنابراین امر عجیبی نیست. به نظر می‌آید آمریکایی‌ها این رقم را در ابتدا آنقدر بالا گرفتند که بازارهای مالی در سراسر جهان دچار توربولانس و تکانه‌های بسیار شدیدی شوند و شاخص سقوط کرد اما اکنون طرفین خودشان را با شرایط جدید هماهنگ می‌کنند.

اگر از زاویه چین به موضوع نگاه کنیم، آنها وقتی متوجه شدند که ترامپ قرار است تعرفه‌های سنگینی را اعمال کند، چگونه فضا را مدیریت کردند؟ البته آمریکا این کار را تنها با چین انجام نداد و با کانادا خیلی دشوارتر برخورد کرد؛ به‌رغم وابستگی‌ای که به انرژی آنها دارند و تمام چوبی که وارد می‌کنند از جنگل‌های مناطق سردسیر کانادا است. از آنجا که کانادا دارای رودخانه‌های بزرگ است و سد‌های زیادی را ساخته که تولید برق بالایی دارند، این برق را با قیمت‌های تعرفه‌ای پایین در اختیار ایالت‌های شمالی آمریکا قرار می‌داد ولی با این وجود آنها تقریباً اوضاع و احوال فعلی را پذیرفتند و واکنشی رفتار نکردند. مکزیکی‌ها نیز چنین چیزی را پذیرفتند، اروپایی‌ها نیز به علت وابستگی شدید تکنولوژیکی و نظامی که به آمریکا دارند هنوز واکنش آنچنان سختی در مقابل تصمیم‌های دولت آمریکا نگرفتند.

این احتمال وجود دارد که آمریکا و چین بر سر منابع انرژی خاورمیانه با هم درگیر شوند؟

بخش بزرگی از نفت جهان و منابع انرژی در خاورمیانه ذخیره شده است، ضمن اینکه آمریکا از نفت همیشه به عنوان یک ابزار صرفاً اقتصادی استفاده نکرده بلکه به عنوان ابزار سیاسی برای کنترل رقابتی خود نیز سود برده است اما به‌رغم این همه سروصدایی که در مورد انرژی‌های تجدیدپذیر صورت می‌گیرد آخرین برآورد سازمان اوپک نشان‌دهنده این است که تقاضا برای نفت از ۳۳ میلیون بشکه در روز فعلی تا سال ۲۰۵۰ به ۵۵ میلیون بشکه خواهد رسید بنابراین خاورمیانه برای آنها خیلی اهمیت دارد و وقتی از خاورمیانه صحبت می‌کنیم طبیعتاً ایران به‌عنوان یکی از کشورهای بزرگ خاورمیانه که دارای معادن و ویژگی‌ها و تاریخ کاملاً متفاوت

با سایر کشورهای منطقه دارد، برای آمریکایی‌ها مهم است و سهمی از این منافع یا درآمدهای کشورهای کوچک خلیج فارس را می‌خواهد، به همین خاطر است که شما می‌بینید یک کشور کوچکی مثل قطر که سرمایه‌گذاری‌های سنگینی در زمینه پتروشیمی و تولید گاز مایع و سایر فرآورده‌های نفتی انجام داده و یک صندوق ذخیره ارزی صدها میلیارد دلاری دارد، با آمریکا قرارداد خرید ۲۲۰ هواپیما را امضا می‌کند و با عربستان سعودی از آمریکا جنگ‌افزارهای جدیدی می‌خرد و متعهد می‌شود که حدود یک و دو دهم تریلیون دلار در آمریکا سرمایه‌گذاری کند و به همین میزان هم توسط امارات متحده عربی سرمایه‌گذاری انجام خواهد شد. آمریکا بزرگترین قدرت اقتصادی جهان است که نزدیکترین کشورها به آن آلمان است که ۷ درصد تولید ناخالص جهان را دارد.

در حالی که آمریکا ۲۶ درصد و ژاپن حدود ۶ درصد تولید ناخالص جهان را دارند و بقیه کشورها نیز فاصله خیلی زیادی با آمریکا دارند و امکان رشد آنها نیز خیلی کم است، ولی وضعیت کشور چین فرق می‌کند؛ به این دلیل که می‌خواهد سهم خود را در اقتصاد جهانی افزایش دهد؛ اما دست و دلبازی‌ای که توانایی‌های تکنولوژیک آمریکایی‌ها را ندارند، به همین خاطر با روش‌های بعضاً غیرمتداول و غیرمتعارف کارهایی در خاورمیانه انجام می‌دهند که مورد پسند آمریکا نیست. ضمن اینکه آمریکا، چین را یک رقیب جدی‌تری از روسیه برای خود می‌داند بنابراین طبیعی است که در منطقه خاورمیانه نتواند چین را تحمل کند.

بین ایران و آمریکا مذاکراتی در حال انجام است و البته چین نیز شریک تجاری و اقتصادی مهمی در دوران تحریم برای ما محسوب می‌شود. اگر رابطه ایران و آمریکا بهتر شود رابطه ما با چین دچار خدشه نمی‌شود؟

البته چین به ما کمک چندانی نکرد و با توافق آمریکایی‌ها و اجازه آنها توانستند با کمک شرکت‌های سایه از ایران نفت، آن هم با تخفیف خیلی زیاد بخرند و به علت تحریم‌ها نمی‌توانند پولی که ناشی از صادرات نفت خام ایران است را به ما برگردانند و بیشتر تلاش می‌کنند کالاهای مصرفی به ایران صادر کنند؛ آن هم با قیمت‌هایی که خودشان تعیین می‌کنند. چین در پروژه‌های بزرگ صنعتی و عمرانی ایران حضور چندانی ندارد اما در کشور عراق در بخش نفت، ساخت نیروگاه و کارخانه‌های سیمان و فولاد به شدت فعال هستند، درحالی که در ایران حضور چندانی ندارند. ضمن اینکه چین و روسیه که به‌عنوان دو شریک اقتصادی ما در طول سال‌های پس از انقلاب هستند در جرگه کشورهای تولیدکننده تکنولوژی قرار ندارند و به همین خاطر بعید است در صورتی که روابط بین ایران و غرب به حالت عادی برگردد طبیعتاً جایگاه چینی‌ها به‌ویژه در حوزه نفت، گاز، پتروشیمی خیلی قابل رقابت با کشورهای اروپایی نخواهد بود و این آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها هستند که با تکنولوژی